

«درآمدی بر بینامتنیت»



مؤلف: بهمن نامور مطلق

ناشر: انتشارات سخن

محل نشر: تهران

سال نشر: ۱۳۹۰

تعداد صفحات: ۴۴۰

منتقدان:

دکتر فاطمه راکعی

دکتر مجتبی منشی زاده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

معرفی اثر

این اثر به بررسی سیر تحول و مفهوم بینامتنیت و برخی اصطلاحات مربوط بدان می پردازد. در این راه از نویسندگان پیش گامی چون «باختین» شروع می کند تا به «یولا کریستوا» و در نهایت نویسنده آمریکایی «ریفاتر» می رسد. شرح نسبتاً خوبی نیز از دیدگاه رولان بارت یکی دیگر از پیشگامان بینامتنیت در کتاب آمده است.

۱۱۶ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

نویسنده محترم ضمن جمع‌آوری نظرات گوناگون و آرای دیگر نویسندگان ظاهراً به روش «تحلیل محتوا» دست به نگارش این کتاب زده است، و سعی بلیغ داشته است که با مثال‌های ضمیمه، بحث اصلی را روشن‌تر نماید که در این راه تا حد زیادی موفق است.

امتیازات شکلی و محتوایی

طرح روی جلد به صورت نمادین برای موضوع بینامتنیت مناسب است. کلیات شکلی اثر و نحوه چاپ آن مناسب است. صفحه آرایی و صحافی حد قابل قبول است. داشتن بحث مقدماتی و نتیجه‌گیری در تمامی فصل‌ها، از نکات مثبت کتاب است. محتوای کتاب با موضوع مطرح شده تناسب دارد و اثر جامع است. معادل‌سازیهای مناسب نظیر: پیکرنده، بینا نشانه‌ای، میان نشانه‌ای، میان متنی و... در آن به کار رفته است. از منابع دست اول در تالیف اثر استفاده شده است. ارائه دیدگاه رولان بارت و ریفاتر در موضوع بینامتنیت و پرداختن به بینامتنیت ادبی و هنری از مزایای این کتاب است.

اشکالات شکلی و محتوایی

مجموعه مطالب کتاب مفید و آموزنده است و بیشتر به سیر تحول و «تحلیل محتوی» نظریه‌های بینامتنیت پرداخته است که در نوع خود می‌تواند خلاء چنین پژوهشی را تا اندازه‌ای جبران نماید. اما به رغم نکات قوت کتاب، ضعف‌هایی در آن به چشم می‌خورد که به پاره‌ای از آنها برای بهتر شدن چاپ‌های بعدی اشاره می‌کنیم:

۱- فهرست مطالب کتاب با فصل‌بندی‌های مألوف و مأنوس سازگار نیست. کتاب در کل به دو «بخش» تقسیم شده و زیر مجموعه آن «قسمت» آمده یعنی قسمت اول و دوم و سوم. بدین ترتیب، ظاهراً به نظر مؤلف محترم بخش از قسمت بزرگتر است. شاید بتوان این مفهوم را پذیرفت اما یکدستی آن در بخش دوم به هم می‌خورد و در زیرمجموعه بخش دوم، با کمال تعجب با اصطلاح «فصل اول» و «فصل دوم» مواجه می‌شویم.

درآمدی بر بینامتنیت ۱۱۷

۲- مقدمه کتاب به جای آنکه طرح کلی از مطالب کتاب در ذهن مجسم نماید، به مطالبی اختصاص یافته که معنی چندانی از آنها به ذهن نمی‌آید، یعنی تا ص ۱۶. از این صفحه به بینامتنیت در ایران می‌رسیم که نوعی معرفی و نقد منابع است.

در پاراگراف ۲ ص ۱۶ مؤلف مدعی می‌شود که کتاب گراهام آلن که در سال ۱۳۸۰ ترجمه شد، به دلیل آنکه از زبان انگلیسی برگردانده شده، چندان مطلوب نیست زیرا که بیشتر آثار بینامتنیت در کشور فرانسه یا فرانسه زبان تهیه و تدوین شده است. این دلیل، نمی‌تواند به لحاظ علمی چندان مقبول باشد. شاید ایراد اصلی مربوط به «آقای پیام یزدانجو» مترجم کتاب باشد. ظاهراً، چنین شیوه‌ای در نقد و معرفی آثار دیگران و در بخشی از رساله‌های دانشجویی مطرح می‌شود که لزوماً در مباحث و فصل‌بندی‌های کتاب‌های علمی جایی ندارد. این روند تا صفحه ۲۰ کتاب ادامه دارد، یعنی هنوز ساختار رساله دانشگاهی بر آن غلبه دارد.

۳- در بخش نخست و در قسمت نخست به مقدمه دیگری می‌رسیم که برخی از گزاره‌های مهم مقدمه اصلی کتاب در آن تکرار می‌شود (ص ۲۸ جمله پایانی آن)؛ یا آنکه در پاراگراف آخر ص ۲۹ نوعی تکرار ملال‌آور از همان مقدمه به چشم می‌خورد.

۴- پاره‌ای از اصطلاحات پایه فارسی ترجمه نشده یا در ترجمه آنها بدسلیقگی به کار رفته است؛ در صفحه ۳۶ کتاب واژه «ممسیس» در سطر نخست به کار رفته که در پانوشت صورت نوشتاری فرانسه آن آمده است. نویسنده در ادامه کتاب در مطالب دیگری برای آن معادل‌هایی مثل «تقلید» یا «محاکات» و جز آن را به کار برده معلوم نیست که نوشتن صورت زبانی خارجی به خط فارسی چه لطفی می‌تواند داشت؟! نوع دیگری از این کج سلیقگی ص ۵۳ واژه «پارودی» برای «نقیصه» بارها به همین صورت با خط فارسی تکرار شده است.

۵- صفحه ۵۹ کتاب به «نتیجه»ی مقدمه اختصاص یافته است. نویسنده اعتقاد دارد که این بخش، یعنی ۵۷ صفحه مقدمه، «شاید پراکنده به نظر آید» که در واقع چنین است و هیچ کمکی به فهم مطالب بعدی نمی‌کند. در ادامه از اصطلاحاتی مانند «کانوس» یا «هیولایی» بینامتنیت نام می‌برد که معنی روشنی از آن مستفاد نمی‌شود. مگر خواننده آشنا به زبانهای خارجی و فلسفه و ادبیات.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آگاهی از اندیشه‌های نو در نقد ادبی و فهم متن یکی از نیازها و ضرورت‌های فعالیت‌های دانشگاهی ماست. مطالب این اثر در مجموع برای اهل ادبیات و تاریخ نویسان و در مباحث کلی رشته‌هایی چون زبانشناسی همگانی، نشانه‌شناسی، فلسفه و نقد ادبی کاربرد دارد. پیشنهاد می‌شود مولف محترم در چاپ بعد نکات زیر را در نظر داشته باشند: در فصل بندی کتاب مخصوصاً فصل دوم تجدید نظر شود و فصل‌ها با هم هماهنگ باشند. از بعضی مباحث طرح شده در مقدمه رفع ابهام شود. مطالب تکراری بازبینی و اصلاح شوند.

۱. برای همه واژه‌های تخصصی، معادل لاتین در پاورقی ذکر شود.

۲. اصطلاحات پایه فارسی به درستی ترجمه شوند.

